



خضر و جوان (قرآن)

[خضر \(علیه‌السلام\)](#) در یک جا نوجوانی را می‌کشد و در جایی دیگر از [گنج پنهان](#) دو نوجوان [یتیم](#) محافظت می‌کند.

فهرست مندرجات

- ۱- برخورد خضر با نوجوانان
 - ۱.۱ - قتل نوجوان سرکش
 - ۱.۲ - مصونیت والدین مؤمن نوجوان
 - ۱.۳ - بازسازی دیوار و حفظ گنج یتیمان
- ۲- یانویس
- ۳- منبع

برخورد خضر با نوجوانان

در برخی آیت سوره کهف، به داستان خضر (علیه‌السلام) و برخورد وی با نوجوانان اشاره دارد.

← قتل نوجوان سرکش

[قتل نوجوان](#) به وسیله [خضر \(علیه‌السلام\)](#) و [اعتراض موسی \(علیه‌السلام\)](#) به او:
«رفانطلقا حتی اذا لقیا علما فقتله قال اقتلت نفسا زکیة بغير نفس لقد جنت شیئا نکرا

[۱] [کهف/سور ۱۸، آیه ۷۴.](#)

پس هر دو به راه افتادند تا آن گاه که به نوجوانی برخوردند (خضر به مجرد برخورد با وی) او را بکشت. موسی گفت: آیا نفس بی‌گناهی را بدون آنکه قتلی کرده باشد کشتی؟! به [یقین](#) کاری ناروا (از نظر شرع و عقل) به جا آوردی!»

[۲] [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۹۳۱.](#)

← مصونیت والدین مؤمن نوجوان

مصون ماندن پدر و مادر مؤمن، [هدف](#) خضر (علیه‌السلام) از کشتن نوجوان سرکش و فرزند کافر آن دو:
«رفانطلقا حتی اذا لقیا علما فقتله قال اقتلت نفسا زکیة بغير نفس لقد جنت شیئا نکرا

[۳] [کهف/سور ۱۸، آیه ۷۴.](#)

پس هر دو به راه افتادند تا آن گاه که به نوجوانی برخوردند (خضر به مجرد برخورد با وی) او را بکشت. موسی گفت: آیا [نفس](#) بی‌گناهی را بدون آنکه قتلی کرده باشد کشتی؟! به [یقین](#) کاری ناروا (از نظر شرع و عقل) به جا آوردی!»

«واما الغلم فکلن ابواه مؤمنین فخشینا ان یرهقهما طغینا وکفرا

[۴] [کهف/سور ۱۸، آیه ۸۰.](#)

و اما آن نوجوان ([کافر](#) و سرکش بود) و [پدر](#) و [مادرش مؤمن](#) بودند، پس ترسیدیم که آن دو را به [طغیان](#) (در عمل) و [کفر](#) (در [اعتقاد](#)) وادار نماید.»

[۵] [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۲.](#)

← بازسازی دیوار و حفظ گنج یتیمان

بازسازی [دیوار](#) از سوی خضر (علیه‌السلام)، برای محفوظ ماندن گنج‌های دو [یتیم](#) نوجوان:

«رواما الجدار فكان لغلمين يتيمين في المدينة وكان تحته كنز لهما وكان ابوهما صلحا فاراد ربك ان يبلغا اشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك وما فعلته عن امرى ذلک تاویل ما لم تسطع علیه صبرا

[\[۶\] كهف/سور ۱۸، آیه ۸۲.](#)

و اما آن دیوار از آن دو پسر نوجوان یتیم در **شهر** بود و در زیر آن گنجی برای آن دو بود و پدرشان هم مردی نیکوکار بود، پس پروردگارت خواست که آن دو به حد **بلوغ** خود رسند، و **گنج** خود را بیرون آورند، به جهت رحمتی که پروردگارت به آن دو داشت، و من آن را به خواست خود نکردم. این (اسراری که برای تو بازگفتم) تاویل آن سرگذشتها بود که نتوانستی بر آنها **صبر** ورزی.»

[\[۷\] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۴.](#)

پاتویس

۱. [↑ كهف/سور ۱۸، آیه ۷۴.](#)

۲. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۹۳۱.](#)

۳. [↑ كهف/سور ۱۸، آیه ۷۴.](#)

۴. [↑ كهف/سور ۱۸، آیه ۸۰.](#)

۵. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۲.](#)

۶. [↑ كهف/سور ۱۸، آیه ۸۲.](#)

۷. [↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۰۴.](#)

منبع

[فرهنگ قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگرفته از مقاله «خضر و جوان».](#)

رده‌های این صفحه: [جوانی](#) | [حضرت خضر](#) | [موضوعات قرآنی](#)